مطالعات تاریخ اسلام
سال پانزدهم، شمارهٔ ۵۷، تابستان ۱۴۰۲، مقالهٔ علمی- پژوهشی، صفحات ۱۱۳-۱۴۶

20.1001.1.22286713.1402.15.57.4.9

سنخ‌شناسی موضوعی پیمان‌نامه مدینه

سودابه زاجکانی[۱]
غلامرضا ظریفیان[۲]

چکیده: پیمان‌نامهٔ مدینه که زمان کوتاهی بعد از هجرت پیامبر(ص) به مدینه منعقد شد، به عنوان قانون اساسی مدینه نیز شناخته می‌شود. این پژوهه با به کار بردن تکنیک سنخ‌شناسی روی مفاد این پیمان‌نامه، به دنبال فهم بهتر عملکرد رسول خدا(ص) در مدیریت و قانونمند ساختن جامعه مدینه است. برای این منظور دیدگاه مونتسکیو مبنا قرار گرفته است. او براساس منشأ صادرکنندهٔ قوانین حاکم در جامعه، آنها را به سه دستهٔ سیاسی- مدنی، اخلاقی و مذهبی تقسیم کرده است. آن حضرت نیز با توجه به اینکه هم نقش سیاسی-مدنی، هم معلم اخلاق و هم نبی را در جامعه برعهده داشت، از هر سه شأن مشروعیتش در تنظیم این پیمان‌نامه استفاده کرده است. بیشترین موضوعات مطرح‌شده در پیمان‌نامهٔ مدینه، موضوعات سیاسی- مدنی با ۵۵٪ فراوانی، در مرتبه بعد موضوعات اخلاقی با ۳۰٪ فراوانی و در نهایت، موضوعات مذهبی با ۱۵٪ فراوانی است.

واژه‌های کلیدی: پیمان‌نامه مدینه، یهود مدینه، مشرکان مدینه

۱ سودابه زاجکانی، دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ اسلام، دانشگاه الزهراء(س)، تهران، ایران (نویسندهٔ مسئول)
sudabezajkani@gmail.com
۲ استادیار گروه تاریخ دانشگاه تهران، تهران، ایران zarifyan@ut.ac.ir
تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۲/۰۱ تاریخ تأیید: ۱۴۰۲/۰۴/۱۵

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-13]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1402.15.57.4.9]

A Quarterly Journal of HISTORICAL STUDIES OF ISLAM
Vol 15, No 57, Summer 2023
Research Center for Islamic History, http://journal.pte.ac.ir/
Scientific-Research, pp. 113-146

Thematic Typology of the Covenant of Medina

Sudabeh Zajkani[1]
Gholamreza Zarifian[2]

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-13]

Abstract: The Covenant of Medina, which was concluded shortly after the Prophet (PBUH) migrated to Medina between him and the residents of Medina, is also known as the Constitution of Medina. This study, by applying the technique of typology for the provisions of this covenant, aims to gain better understanding of the Prophet's performance in the management and law-making for Medina society. In this regard, Montesquieu's viewpoints are used as a basis for this inquiry. Montesquieu divides the laws into three categories: political-civil, moral and religious ones based on the origin of the issuance of such laws in the society. The Prophet also used all three aspects of his legitimacy for developing this covenant, since he had the role of social legislator, as well as moral teacher, and prophet in the society. The most common themes in the Covenant of Medina are political-civil issues with 55% frequency, followed by moral issues with 30% frequency and finally religious issues with 15% frequency.

Keywords: Covenant of Medina, Medina Jews, Medinapolytheists.

1 MA student in Islamic History, Al-Zahra University, Tehran, Iran (corresponding author) sudabezajkani@gmail.com
2 Assistant Professor, Department of History, University of Tehran, Tehran, Iran zarifyan@ut.ac.ir
Receive Date: 2023/02/20 Accept Date: 2023/07/6

[DOR: 20.1001.1.22286713.1402.15.57.4.9]

مقدمه

در جامعهٔ عرب قبل از اسلام، حلف جایگاه مهمی داشت و نظم و امنیت را میان قبایل تا حدودی برقرار می‌کرد. انگیزه و هدف از برقراری این حلف‌ها برخوردار شدن از منافع اقتصادی، اجتماعی و سیاسی مشترک بود. پس از ظهور اسلام اگرچه جایگاه حلف همانند قبل محفوظ نماند، اما پیامبر(ص) بنا بر سنت جامعه‌ای که در آن مبعوث شده بود، به این شیوه روی آورد. او پس از مهاجرت به مدینه، بنا به دلایلی و با توجه به برخی اهداف، از جمله برپا داشتن زندگی مسالمت‌آمیز مسلمانان در کنار مشرکان و یهودیانی که در مدینه ساکن بودند، به سراغ سران قبایل مختلف رفت و به عقد قرارداد با آنها اقدام کرد. این قرارداد سرآغاز تحولات بنیادین اجتماعی و مبنای تشکیل الگوی مدینة النبی(ص) در تاریخ تمدن اسلامی گردید.

پیمان‌نامهٔ مدینه که از مهم‌ترین پیمان‌نامه‌های پیامبر(ص) به شمار می‌رود و اساس دولت‌شهر مدینه بر پایهٔ آن بنا شده است، به عقیدهٔ برخی پنج ماه بعد از ورود پیامبر(ص) به مدینه تنظیم شده است (پاکروان، ۱۳۹۸: ۱۶۴). متن این پیمان‌نامه در برخی منابع سیره‌نگاری، تاریخی و فقهی نقل شده است که نخستین روایت از آن به نقل از ابن‌اسحاق در *سیره* ابن‌هشام آورده شده است. محمد حمیدالله درباره پیمان‌نامهٔ مدینه نوشته است که این مجموعه به لحاظ قضائی، حقوقی و طرز نگارش سند در آن زمان، نمونهٔ بسیار نفیسی است و اهمیت این سند را مسیحیان اروپایی بیش از مسلمانان احساس کرده‌اند (پاکروان، ۱۳۹۸: ۱۶۴). در این منشور همهٔ اهالی مدینه، از هر دین و آیینی قابل احترام بودند و در امان و حمایت اسلام قرار گرفتند و حقوق قبایل مختلف و وظایف هر یک در آن مشخص شده است. این پیمان‌نامه سبب اتحاد ساکنان مدینه در برابر دشمنان اسلام می‌شد و برای همهٔ آنان امنیت و صلح به دنبال داشت.

در بخش اول پیمان‌نامه مدینه، به قبایل مختلف مسلمانان متشکل از مهاجران و انصار پرداخته شده و حقوق و وظایف آنان برشمرده شده است. در بخش دوم نیز به غیرمسلمانان، از یهود و نصارا گرفته تا غیرمسلمانان دیگری که ساکن مدینه بودند، پرداخته شده است.

اگرچه از سه قبیلهٔ اصلی یهود (بنی‌قینقاع، بنی‌نضیر و بنی‌قریظه) در این پیمان‌نامه نامی برده نشده است، اما در منابع تاریخی از پیمان‌شکنی آنها و رویارویی پیامبر(ص) با آنها سخن گفته شده است که نشان از وجود پیمانی میان آنان دارد. همچنین نظر به اینکه سیره‌نگاران و

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-13]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1402.15.57.4.9]

مورخان و محدثان از برخی مفاد پیمان‌نامهٔ آنها با پیامبر(ص) سخن گفته‌اند، به نظر می‌رسد آنان قرارداد جداگانه‌ای با پیامبر(ص) داشته‌اند که اصل آن از بین رفته و بعدها طبرسی روایت ضعیفی از آن را نقل کرده است (بیات و تاج‌بخش، ۱۳۸۶: ۱۰۸).

این پژوهش به دنبال پاسخ به این سؤال است که پیمان‌نامهٔ مدینه به لحاظ موضوعی مشتمل بر چه سنخ موضوعاتی است؟ ذکر این نکته لازم است که با توجه به اینکه مقالهٔ حاضر رویکرد توصیفی دارد، فرضیه‌ای برای آن ارائه نمی‌شود.

پیمان‌نامهٔ مدینه به سبب اهمیت آن همواره مورد توجه اسلام‌پژوهان بوده و پژوهش‌های زیادی دربارهٔ آن صورت گرفته است. در بین این پژوهش‌ها آثاری که از اهمیت بیشتری برخوردار بوده‌اند، به عنوان پیشینهٔ تحقیق مورد بررسی قرار گرفته‌اند. در بخشی از کتاب *ساخت و روابط قدرت در دولت مدینه*[1] به تأثیر عقود و پیمان‌نامهٔ مدینه در روابط قدرت پرداخته شده و بیان شده است که این قانون‌نامه چارچوب روابط قدرت را در دولت مدینه مشخص کرده است؛ همچنین ضامن همزیستی مسالمت‌آمیز و همکاری بین گروه‌های مختلف مدینه دانسته شده است. این تحقیق که از جنبهٔ حقوقی به پیمان‌نامه مدینه پرداخته، آن را یک قرارداد جنگی تلقی کرده است؛ زیرا اهداف هجرت را سازماندهی برای جنگ با قریشیان دانسته است. درحالی‌که نه این پیمان‌نامه یک قرارداد جنگی است و نه این برداشت از هدف هجرت پیامبر(ص)، برداشت درستی است. در ادامه که به بررسی سنخ‌های موضوعی این قرارداد می‌پردازیم، این مسئله روشن‌تر می‌شود. گفتنی است به دلیل بررسی آن از منظر حقوقی، جنبهٔ تاریخی پیمان‌نامه بررسی نشده است.

در این میان، کتاب‌هایی نیز وجود دارند که در آنها به بررسی مکتوبات پیامبر(ص) پرداخته شده است. برخی از آنها متن پیمان‌نامهٔ مدینه را ذکر کرده و برخی دیگر توضیحات و شرحی نیز بر آن نگاشته‌اند. کتاب *مکاتیب الرسول*(ص)[2] به متن پیمان‌نامه مدینه به صورت مشروح و همراه با توضیحاتی بر بندهای آن پرداخته است. کتاب مجموعة *الوثائق السياسية للعهد النبوی و الخلافة الراشدة* اثر محمد حمیدالله[3] که دو ترجمه از آن یکی با عنوان *نامه‌ها و پیمان‌های سیاسی حضرت محمد*(ص) و *اسناد صدر اسلام*[4] به چاپ رسیده است. مؤلف در بخشی

۱ شهرام آموزگار (۱۳۹۴)، *ساخت و روابط قدرت در دولت مدینه*، قم: بوستان کتاب.
۲ علی احمدی میانجی (۱۴۱۹)، *مکاتیب الرسول*(ص)، قم: دار الحدیث.
۳ محمد حمیدالله (۱۴۰۷)، *مجموعة الوثائق السياسية للعهد النبوي و الخلافة الراشدة*، بیروت: دار النفائس.
۴ محمد حمیدالله (۱۳۷۷)، *نامه‌ها و پیمان‌های سیاسی حضرت محمد*(ص) *و اسناد صدر اسلام*، ترجمهٔ سید محمد حسینی، تهران: سروش.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-13]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1402.15.57.4.9]

از آن، متن پیمان‌نامهٔ مدینه را همراه با توضیحاتی که بر آن افزوده، آورده است. ترجمهٔ دیگر این کتاب، همراه با حاشیه بر آن، با عنوان *وثائق؛ نامه‌های حضرت ختمی مرتبت و خلفای راشدین*[۱] به چاپ رسیده است.

همچنین مهم‌ترین کتاب در این زمینه کتاب *اولین قانون اساسی مکتوب در جهان؛ سندی مهم از دوران رسالت پیامبر(ص)*[۲] نوشتهٔ محمد حمیدالله است. کتاب *سیاست نبوی؛ مبانی، اصول و راهبردها*[۳] شامل مجموعه مقالاتی در سیره سیاسی پیامبر(ص) است که در یکی از مقالات آن با عنوان «پیامبر اعظم(ص) و تأسیس دولت» محمدرضا خاتمی، به تشکیل نظام سیاسی یا دولت توسط پیامبر(ص) و مهم‌ترین اقدامات آن حضرت برای پی‌ریزی دولت اسلامی پرداخته شده است. در ضمن آن، دربارهٔ تأسیس دولت‌شهر مدینه، به پیمان‌نامه مدینه پرداخته و آن را نخستین قانون اساسی مکتوب در جهان دانسته است. در ادامه، تشکیل حکومت اسلامی را از برنامه‌های دین اسلام دانسته که عملاً شرایط و عناصر ضروری آن پس از هجرت فراهم شد. این نکته قابل نقد است؛ زیرا اساساً تشکیل حکومت در اسلام موضوعیت ندارد، بلکه طریقیت دارد و پیامبر(ص) الزاماً به دنبال تشکیل حکومت نبودند، بلکه مقتضیات جامعه، تشکیل حکومت را ایجاب کرد.

در کتاب دیگری با عنوان *بررسی تاریخی صلح‌های پیامبر(ص)*[۴] به صلح پیامبر(ص) با یهود مدینه پرداخته شده و آن زیربنای نظام اجتماعی، سیاسی و حقوقی معرفی شده است. مؤلف سپس به نقد دیدگاه پیوسته نبودن معاهدهٔ مدینه اشاره کرده و آن را رد کرده است. او در ادامه، دستاوردهای پیمان مدینه را زمینه‌ای برای نشر اسلام و افزایش شکوه و اقتدار مسلمانان در نگاه اعراب مجاور یثرب و در نهایت، آمادگی روحی آنها برای گرایش به اسلام می‌دانسته است. در بخشی از کتاب *پنهان در تاریخ*[۵] با عنوان «مدینه» به دولت‌شهر محمد(ص) و تدوین منشور مدنی آن شهر پرداخته است. از نکات جالب توجه در آن، اشاره به این نکته است که پیامبر(ص) با زبان قبایل آنها را مورد خطاب قرار می‌دادند و به علقه‌ای که آنها به قبیله خود

---

۱ محمد حمیدالله (۱۳۶۵)، *وثائق: نامه‌های حضرت ختمی مرتبت و خلفای راشدین*، ترجمه و تحشیه محمود مهدوی دامغانی، تهران: چاپ و نشر بنیاد.

۲ محمد حمیدالله (۱۳۶۶)، *اولین قانون اساسی مکتوب در جهان؛ سندی مهم از دوران رسالت پیامبر(ص)*، ترجمهٔ غلامرضا سعیدی، تهران: بعثت.

۳ علی‌اکبر علیخانی (۱۳۸۶)، *سیاست نبوی؛ مبانی اصول راهبردها*، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.

۴ حامد منتظری مقدم (۱۳۸۵)، *بررسی تاریخی صلح‌های پیامبر(ص)*، قم، مؤسسهٔ آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

۵ مهدیه پاکروان (۱۳۹۸)، *پنهان در تاریخ؛ اعزام‌های دیپلماتیک پیامبر(ص) پیش از بدر*، تهران: انتشارات پناه.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-13]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1402.15.57.4.9]

داشتند، توجه می‌کردند و عواطف و بنیان قبیله‌ای آنها را محترم می‌دانستند.

مقالات دیگری نیز وجود دارد که به‌طور خاص به پیمان‌نامهٔ مدینه از چند منظر مختلف پرداخته‌اند. «وثاقت پیمان‌نامه مدینه»[۱] مقاله‌ای ارزشمند در زمینهٔ بررسی منابع پیمان‌نامه مدینه است که در آن وثاقت راویان پیمان‌نامه بررسی شده است. سپس نگارندگان با نگاه به نظرات سیره‌نگاران، محدثان و مورخان و خاورشناسان، نتیجه گرفته‌اند که این پیمان‌نامه مشتمل بر دو قرارداد است. یکی پیمان‌نامه عمومی مدینه میان پیامبر، مسلمانان، مشرکان و صرفاً یهودیان هم‌پیمان اوس و خزرج؛ و دیگری پیمان‌نامهٔ پیامبر(ص) با یهودیان بنی‌قینقاع، بنی‌نضیر و بنی‌قریظه به نام «موادعه یهود» که هر دو پیمان‌نامه با فاصله‌ای نامعلوم در روزهای آغازین ورود پیامبر(ص) به مدینه منعقد شده است. در این مقاله نسخه ذکر شده در *الاموال* ابن‌زنجویه مورد توجه قرار نگرفته است. مقالهٔ «پیمان‌نامه مدینه»[۲] نمونه‌ای تاریخی در زمینهٔ حل اختلاف، با مقایسهٔ تطبیقی بین پیمان‌نامهٔ مدینه و رویکردهای جدید حل اختلاف در غرب (تجزیه کردن، تنظیم هدف و توازن قدرت)، نتیجه گرفته است که پیمان‌نامهٔ پیامبر(ص) با روش‌های میانجی‌گری در غرب، در مواردی نیز قوی‌تر طراحی شده است و در ردیف پیشرفته‌ترین اصول حل اختلاف قرار می‌گیرد. این پژوهش از منظر جدیدی به این پیمان‌نامه پرداخته است. در مقالهٔ «قانون‌نامه مدینه»[۳] نیز بعد از مقایسهٔ نسخه‌های اولیه از قانون‌نامهٔ مدینه به روایت ابن‌اسحاق، ابوعبید و ابن‌زنجویه، آمده است که این قانون‌نامه ترکیبی از چندین سند متعدد تاریخی است و پیامبر(ص) نه از طریق وحی، بلکه با توسل به ارائهٔ سند و موافقت با مردم، قوانینی را ارائه داد. مؤلف این قانون‌نامه را شاهد خوبی بر پیشرفت سیاست‌های پیامبر(ص) دانسته است. همچنین در این مقاله به نسخه‌ای از ابن‌أبی‌خیثمه اشاره شده است که متن آن در دسترس نیست، اما اسناد آن با اسناد ابوعبید و ابن‌زنجویه کاملاً متفاوت است.

در پژوهش‌های یادشده، به محتوای پیمان‌نامهٔ مدینه از جهات مختلف، همچون بررسی بندهای مرتبط با یهودیان، وثاقت سند و راویان پیمان‌نامه، شرح و توضیح بندهایی از آن،

۱ علی بیات و قدریه تاج‌بخش (پاییز ۱۳۸۶)، «وثاقت پیمان‌نامه مدینه»، *پژوهش دینی*، ش۱۵، صص۸۷-۱۱۰.

۲ شهلا بختیاری و زهرا نظرزاده (۱۳۹۱)، «پیمان‌نامه مدینه، نمونه‌ای تاریخی در زمینه حل اختلاف»، *تاریخ اسلام*، س۱۳، ش۱ (پیاپی ۴۹)، صص۵۵-۷۹.

۳ اکیرا گوتو (۱۳۷۶)، «قانون‌نامه مدینه»، ترجمه شهلا بختیاری، *کیهان اندیشه*، ش۷۵، صص۱۰۱-۱۱۵.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-13]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1402.15.57.4.9]

تأثیرات آن در تشکیل دولت‌شهر مدینه و حل اختلاف جامعه آن روز مسلمانان پرداخته شده است، اما نگارندگان پژوهش حاضر به دنبال آن بوده‌اند که تقسیم‌بندی مونتسکیو از قوانین بشری را مبنا قرار دهند و با تأکید بر تکنیک کمّی سنخ‌شناسی، موضوعات مطرح‌شده در پیمان‌نامهٔ مدینه را براساس دیدگاه مونتسکیو دسته‌بندی کنند.

تعریف و تحدید مفاهیم و واژگان تحقیق

سنخ‌شناسی موضوعی

سنخ‌شناسی یا گونه‌شناسی از ریشه یونانی به معنای مدل، چهره، گونه و پسوند گفتار گرفته شده است. زمانی که به تعدادی از واقعیات که دارای ماهیتی یکسان‌اند، ولی تفاوت‌هایی با یکدیگر دارند می‌نگریم، تعیهٔ گونه‌ها شامل جمع‌آوری ویژگی‌ها و تمایزبخش بعضی از آنان خواهد بود؛ چنان‌که نوعی تصور مفهومی یا مدل عقلانی به دست آید و امکان تشخیص صفات مشخصهٔ هر نوع به صورت نظری فراهم آید (بیرو، ۱۳۸۰: ۴۳۵). و در تعریفی دیگر گونه‌شناسی تقسیم‌بندی و تنظیم داده هاست، با توجه به مشخصات آنان و بر پایه معیارهایی خاص، نیز موضوعی، یعنی آنچه که به موضوع منسوب و مربوط است. (دهخدا، ۱۳۷۷: ۲۱۸۰۶/۱۴)

بدین ترتیب، می‌توان سنخ‌شناسی موضوعی را مطالعهٔ گونه‌ها و طبقه‌بندی منظم آنها براساس موضوعات معیّن دانست.

پیمان‌نامه مدینه

منظور از پیمان‌نامهٔ مدینه، قانون‌نامه‌ای است که پیامبر(ص) بعد از هجرت به مدینه در همان سال اول هجری با مردم مدینه، اعم از مسلمان و غیرمسلمان منعقد کرد.

در منابع واژهٔ «کتاب» برای این پیمان‌نامه به کار رفته است. واژه کَتب و کِتَاب در سخن معمولی مردم، یعنی متصل کردن بعضی از حروف به بعض دیگر با خط و نوشتن و بیشتر در مورد چیزی که بعضی از آن لفظاً به بعضی دیگر ضمیمه شده است، به کار می‌رود (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴: ۳۰۰/۳). البته اصطلاحاً بر هر نوشتهٔ مدوّن و غیرمدوّن اطلاق می‌شود.

مصدرهای اثبات، تقدیر، ایجاب، فرض و عزم هم به **کِتَابَة** تعبیر می‌شوند؛ چنانکه به گفتهٔ ابن‌فارس، واژهٔ کتاب به معانی امر واجب، حکم و فرمان، آیین استوار و ارزشمند و

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-13]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1402.15.57.4.9]

تقدیر است. وجه و تعبیر این‌گونه سخن این است که نخست چیزی اراده می‌شود، سپس گفته می‌شود و بعد نوشته می‌شود. پس اراده آغاز و مبدأ نوشتن است و **کتابة** یا نوشتن پایان آن اراده است. بنابراین تعبیر نوشتن یا کتابت، پایان مراد و هدفی است که انجام آن تأکید شده و در آغاز اراده شده است (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴: ۳۰۰/۳).

در قرآن نیز واژه کتاب در برخی آیات در معنای حکم الهی و ایجاب و وجوب به کار رفته است. در آیه ۱۴۵ سورهٔ آل عمران که می‌فرماید: ﴿وَ ما كانَ لِنَفْسٍ أَنْ تَمُوتَ إِلاّ بِإِذْنِ اللهِ كِتاباً مُؤَجَّلاً﴾ و در آیهٔ ۱۸۳ سوره بقره آمده است: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ﴾. همچنین در آیهٔ ﴿وَ الَّذِينَ يَبْتَغُونَ الْكِتابَ مِمّا مَلَكَتْ أَيْمانُكُمْ فَكاتِبُوهُمْ﴾ (سورهٔ نور، آیهٔ ۳۳) که اشتقاق واژهٔ کتاب به معنی الزام و ایجاب در تعهد است و در آن توجهی خاص به شخصیت و آزادی بردگان شده، آمده است که اگر آنان تقاضای بستن قراردادی الزام‌آور برای آزادی خود کردند و خیری در آن دیدید، بپذیرید و انجام دهید (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴: ۳۰۹/۳).

از این رو پیداست که واژهٔ کتاب علاوه بر معنای نوشتن، دارای بار معنایی تعهدآوری برای دو طرف بوده و به همین دلیل لازم‌الاجراست. در جریان دیگر عهود و اقطاعات پیامبر نیز از واژهٔ کتاب استفاده شده و در انتهای برخی از آنها نام شاهد نیز ذکر شده است که بردن نام شاهد گواه این است که آن نوشته تعهد و بار حقوقی برای دو طرف ایجاد کرده است. برای نمونه، چند مورد از آنها ذکر می‌شود:

«هَذَا كِتَابٌ مِنْ مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ رَسُولِ اللهِ إِلَى الْمُؤْمِنِينَ. إِنَّ عِضَاهَ وَجٍّ و صَيْدَهُ لَا يُعْضَدُ و لَا يُقْتَلُ صَيْدُهُ، فَمَنْ وُجِدَ يَفْعَلُ شَيْئًا مِنْ ذَلِكَ فَإِنَّهُ يُجْلَدُ و تُنْزَعُ ثِيَابُهُ و مَنْ تَعَدَّى ذَلِكَ فَإِنَّهُ يُؤْخَذُ فَيُبَلَّغُ مُحَمَّدًا رَسُولَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ و سَلَّمَ و إِنَّ هَذَا مِنْ مُحَمَّدٍ النبی و كَتَبَ خَالِدُ بْنُ سَعِيدٍ بِأَمْرِ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللهِ رَسُولِ اللهِ فَلَا يَتَعَدَّهُ أَحَدٌ، فَيَظْلِمْ نَفْسَهُ فِيمَا أَمَرَ بِهِ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللهِ لِثَقِيفٍ و شَهِدَ عَلَى نُسْخَةِ هَذِهِ الصَّحِيفَةِ - صَحِيفَةِ رَسُولِ اللَّهِ الَّتِي كَتَبَ لِثَقِيفٍ - عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ و حَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ و حُسَيْنُ بْنُ علی» (ابوعبید، ۱۴۰۸: ۲۵۰).

«و كَتَبَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسلَّمَ لِسَلَمَةَ بْنِ مَالِكٍ السُّلَمِيِّ، هَذَا مَا أَعْطَى رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ سلَّمَ سَلَمَةَ بْنَ مَالِكٍ السُّلَمِيَّ. أَعْطَاهُ مَا بَيْنَ ذَاتِ الحناظي إِلَى ذَاتِ الْأَسَاوِدِ لَا يُحَاقُّهُ فِيهَا أَحَدٌ. شَهِدَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ و حَاطِبُ بْنُ أَبِي بَلْتَعَةَ. (ابن‌سعد، ۱۴۱۰: ۲۱۸/۱) و «كَتَبَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ سلَّمَ لِعَوْسَجَةَ بْنِ حَرْمَلَةَ الْجُهَنِيِّ، بِسْمِ اللهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ. هَذَا مَا أَعْطَى الرَّسُولُ عَوْسَجَةَ بْنَ حَرْمَلَةَ الْجُهَنِيَّ مِنْ ذِي الْمَرْوَةِ. أَعْطَاهُ مَا بَيْنَ بَلْكَثَةَ إِلَى الْمَصْنَعَةِ إِلَى الْجَفَلَاتِ إِلَى الْجَدِّ جَبَلِ الْقِبْلَةِ لَا يُحَاقُّهُ أَحَدٌ. وَ مَنْ حَاقَّهُ فَلَا حَقَّ لَهُ وَ حَقُّهُ حَقٌّ وَ كَتَبَ عُقْبَةُ وَ شَهِدَ» (ابن‌سعد، ۱۴۱۰: ۲۰۸/۱).

در این تحقیق از عبارت پیمان‌نامه استفاده شده است که پیمان در لغت از پهلوی «پَتْمان» و

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-13]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1402.15.57.4.9]

اوستایی «پَتی مانَ» به معنی «پیمودن» و «اندازه گرفتن» گرفته شده است و در کاربردی دیگر به معنای قرارداد و معاهده و عهد است. پیمان‌نامه در لغت به معنای تعهدنامه و عهدنامه است (دهخدا، ۱۳۷۷: ۶۰۳۳/۴–۶۰۳۵). واژهٔ عهد به معنای حفظ و نگه داشتن چیزی و مراعات کردن آن که مراعات آن لازم است، به کار می‌رود و به اعتبار معنی حفظ در واژهٔ عهد و پیمان، به وثیقه‌ای که میان دو نفر بسته می‌شود نیز عهد گفته می‌شود (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴: ۶۶۰/۲).

رویکرد روشی تحقیق

پیمان‌نامه مدینه به مثابه قانون اساسی مدینه نیز معرفی می‌شود. مونتسکیو قوانین موجود در جامعه را به سه دسته تقسیم کرده است. نخست، قوانین سیاسی– مدنی با منشأ قانونگذاری یک نهاد سیاسی در جامعه؛ دسته دوم قوانین اخلاقی با منشأ صادرکنندهٔ یک معلم اخلاق در جامعه؛ و در آخر دسته مذهبی که قوانین الهی‌اند و از سوی خدا یا بزرگان دین وضع شده‌اند.

پیامبر(ص) در مقام کسی که پیمان‌نامه مدینه را تدوین کرده است، شأن هر سه را دارا بود. هم رئیس جامعه بود، هم معلم اخلاق و هم فرستادهٔ خداوند برای ابلاغ آموزه‌های دین اسلام بود.

بدین ترتیب، در این پژوهش از دیدگاه مونتسکیو برای دسته‌بندی قوانین استفاده شده و پیمان‌نامهٔ مدینه از این سه منظر دسته‌بندی شده و مشخص شده است که پیامبر(ص) از کدام وجوه مشروعیتشان در جامعه، در تدوین این پیمان‌نامه بیشتر استفاده کرده است. سپس مصادیق هر یک از این دسته‌ها در متن پیمان‌نامه مشخص شده و پس از سنجش درصد فراوانی آنها، به تحلیل پرداخته شده است.

معرفی و نقد منابع تحقیق

پیمان‌نامهٔ مدینه نخستین بار در *السیرة النبویة* ابن‌هشام ([بی‌تا]: ۵۰۱/۱–۵۰۴) به روایت از ابن‌اسحاق آمده است. ابن‌اسحاق نخستین کسی است که متن کاملی از این پیمان‌نامه را روایت کرده است. در این روایت، نام راویان خبر ذکر نشده است. همچنین نامی از سه قبیلهٔ اصلی یهود وجود ندارد.

ابوعبید قاسم‌بن سلام در *الاموال* (۱۴۰۸: ۲۶۰–۲۶۶) متن کاملی از پیمان مدینه را به همراه ذکر نام راویان خبر آورده است که به ترتیب یحیی‌بن عبدالله‌بن بکیر، عبدالله‌بن صالح،

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-13]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1402.15.57.4.9]

لیث‌بن سعد، عقیل‌بن خالد و ابن‌شهاب زهری است. تفاوت دیگری که در روایت ابن‌اسحاق و روایت ابوعبید وجود دارد این است که برخی از بندهای پیمان‌نامه به روایت ابن‌اسحاق در روایت ابوعبید وجود ندارد.

حمیدبن مخلد بن‌زنجویه نیز در کتاب *الاموال* خود (۱۴۲۷: ۲۰۵–۲۰۷) متن پیمان‌نامه مدینه را در بخش «کتاب الفیء و وجوهه و سبیله»، در ذیل عنوان «هذا کتاب رسول اللّه صلّی اللّه علیه و سلّم بین المؤمنین و أهل یثرب» روایت کرده است. نام راویان خبر در نقل ابن‌زنجویه به ترتیب عبدالله‌بن صالح، اللیث، عقیل و ابن‌شهاب است. روایت ابن‌زنجویه با کمی تفاوت، شبیه نسخهٔ ابوعبید است و حتی نام راویان خبر هم در آنها مشابه است.

ابن‌کثیر در *البدایة و النهایة* (۱۴۰۷: ۲۲۴/۳–۲۲۶) متن کامل پیمان‌نامه مدینه را نقل کرده و آن را پیمانی بین مهاجر و انصار برای ایجاد الفت میان آنها و موادعه با یهود مدینه دانسته است. سپس نوشته است قبایل بنی‌نضیر و بنی‌قریظه و بنی‌قینقاع زودتر از انصار در مدینه ساکن شده بودند و قبایل اوس و خزرج بعد از سیل ارم به مدینه کوچ کردند. او در انتها نیز اشاره کرده است که ابوعبید قاسم‌بن سلام در کتاب *الغریب* خودش متن پیمان‌نامهٔ عمومی را به تفصیل بیان کرده است. نام راویان خبر در نسخهٔ ابن‌کثیر، عثمان‌بن عفان از عاصم احول و أنس‌بن مالک هستند، و تصریح کرده است که این پیمان‌نامه در خانه أنس‌بن مالک منعقد شده است.

ابن‌کثیر در کتاب *السیرة النبویة* (۱۳۹۶: ۳۲۰/۲–۳۲۳) نیز متن پیمان‌نامهٔ مدینه را به نقل از ابن‌اسحاق آورده است. تفاوت روایت ابن‌کثیر در *السیرة النبویة* با روایت او در *البدایة و النهایة* این است که توضیحاتی که در *البدایه* اضافه کرده است، در روایت او در *السیرة النبویة* دیده نمی‌شود و تنها این جمله که قاسم‌بن سلام در کتاب *الغریب* خود به تفصیل از پیمان‌نامه سخن گفته است، در پایان هر دو روایت وجود دارد.

در این پژوهش نیز روایت ابن‌اسحاق برای سنخ‌شناسیِ موضوعی مبنا قرار گرفته؛ زیرا برای اولین بار متن کاملی از پیمان‌نامه را نقل کرده است.

۱. ترکیب جمعیتی مدینه در آغاز ورود پیامبر(ص)

اهمیت شناخت ترکیب جمعیتی مدینه هنگام هجرت پیامبر(ص) از این روست که هم میزان

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-13]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1402.15.57.4.9]

پراکندگی قشری و مذهبی ساکنان مدینه را مشخص می‌کند و هم نشان می‌دهد که همهٔ این اقشار از جانب پیامبر(ص) به صورت مجزا دیده می‌شدند و جایگاه ویژهٔ خود را داشتند؛ چنان‌که در پیمان‌نامهٔ مدینه از همه آنها نام برده شده و حقوق و وظایفشان مشخص شده است و در نهایت، تحت حمایت اسلام قرار گرفتند.

گروه‌های ساکن در مدینه در آغاز ورود پیامبر(ص) عمدتاً شامل انصار، مهاجرین و یهودیان بوده است. انصار ساکنان بومی مدینه و شامل دو قبیلهٔ اوس و خزرج بودند که هر یک خاندان‌های متعددی داشتند. مهاجرین نیز از ساکنان مکه بودند که پس از اسلام آوردن، به دستور پیامبر(ص) به مدینه هجرت کرده بودند. گروه دیگر نیز یهودیان بودند. یهودیان از سال‌ها قبل و پس از تسلط رومیان بر شام و آزار و اذیتی که از جانب آنها به آنان می‌رسید، به یثرب آمده و در آنجا ساکن شده بودند که شامل سه قبیلهٔ اصلی بنی‌نضیر، بنی‌قریظه و بنی‌قینقاع بودند. در کنار آنها، خاندان‌های کوچک یهودی هم ساکن شده بودند که عموماً از افرادی بودند که از قبایل اوس و خزرج یهودی شده بودند (سالم، ۱۳۸۰: ۲۹۴).

بعد از هجرت پیامبر(ص) به مدینه، تعداد زیادی از افراد قبیلهٔ اوس و خزرج به اسلام گرویدند، اما همچنان تیره‌هایی از قبیلهٔ اوس بودند که مسلمان نشده بودند؛ نظیر بنی‌واقف، خطمه، بنی‌وائل و بنی‌امیه که تا سال پنجم هجری به بت‌پرستی خود ادامه دادند (پاکروان، ۱۳۹۸: ۱۵۹).

از قبایلی که در پیمان‌نامهٔ مدینه از آنها نام برده شده است، بنی‌عوف، بنی‌حارث، بنی‌ساعده، بنی‌جشم و بنی‌نجار از قبایل خزرج و بنی‌عمروبن عوف، بنی‌نبیت و بنی‌اوس از اوسیان بودند. همچنین در بندهای ۲۳ به بعد پیمان‌نامه نیز از قبایلی نام برده شده است که از یهودیان دو قبیلهٔ اوس و خزرج بودند (همو، همان، ۱۶۶).

پیامبر(ص) هنگام ورود به مدینه، با این ترکیب جمعیتی مواجه بودند. بهترین کار در آن جامعهٔ متشتت با تنوع جمعیتی گوناگون، از جمله به لحاظ دینی، این بود که بین آنها بنای زندگی مسالمت‌آمیز گذاشته شود. وظایف و حقوقی که هر گروه به گردن یکدیگر و جامعه داشتند، تعیین شود؛ به‌طوری که از حقوق همهٔ آنان پاسداری و احساس شهروندی در آنها ایجاد و پررنگ شود. برای این منظور پیامبر(ص) اقداماتی انجام دادند که یکی از آنها تدوین منشور مدینه بود که می‌توان آن را الگویی مناسب برای ایجاد جامعه‌ای قانونمند دانست.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-13]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1402.15.57.4.9]

همهٔ گروه‌های ساکن در مدینه نزد پیامبر(ص) جایگاه خاص خود را داشتند؛ به‌طوری که آن حضرت در عقد قرارداد، تک تک این گروه‌ها را مورد خطاب قرار داده بود که این امر نشانهٔ به رسمیت شناختن و دیده شدن آنها از سوی پیامبر(ص) بود و گواهی بر توجه پیامبر(ص) بر عزت نفس و کرامت انسانی انسان‌ها و برخورداری از حقوق مساوی بین همهٔ اقشار جامعه بود.

۲. سنخ‌شناسی موضوعی

در این بخش پس از ارائهٔ تعریفی از قانون، به معرفی دیدگاه مونتسکیو دربارهٔ قوانین حاکم بر جامعه پرداخته می‌شود. در ادامه، سنخ‌های موضوعی پیمان‌نامهٔ مدینه را براساس دیدگاه مونتسکیو تقسیم‌بندی کرده و فراوانی هر سنخ را مشخص کرده، در نهایت، تحلیلی از این آمار ارائه خواهد شد.

۲-۱. تعریف قانون

قانون از ریشهٔ «قنن» به معنی اصل و اساس، مقیاس هر چیزی است و به مجموعه‌ای از مقررات و دستورات گفته می‌شود که در روابط مردم، اعم از حقیقی و حقوقی تهیه و تدوین شده است و انواع بسیاری دارد (افرام بستانی، ۱۳۷۵: ۶۸۰). قانون به معنای قواعد کلی است که به‌طور یکسان بر یک سلسله از امور شمول داشته باشد. مفهوم قانون قدمتی به سابقهٔ تفکر بشری دارد و در دو معنا در میراث فکری بشر مطرح شده است؛ یکی به معنای نظم تغییرناپذیری که به سرشت امور مربوط می‌شود؛ و دیگری به معنای ملاکی برای ساماندهی زندگی انسانی است. البته این دو معنا به‌طور مطلق از یکدیگر منفک نشده‌اند (عالی‌خانی، ۱۳۷۳: ۱۴-۲۶).

۲-۲. معرفی دیدگاه مونتسکیو دربارهٔ قانون

شارل دو مونتسکیو از متفکران سیاسی فرانسه در قرن هجدهم و عصر روشنگری بود. او به فهم قانون ابعاد گسترده‌تر و عمیق‌تری داد. برای قانون، تقدم ماهوی نسبت به حیات انسانی قائل شد و برخلاف رواقیون که قانون و عقل را نسبت به طبیعت متأخر می‌دانستند، قانون را لازمهٔ سرشت و طبیعت امور دانست. از نظر او، قانون به معنای عام عبارت است از مبانی و اصول حاکم بر سرشت پدیده‌ها و نیز روابط لازم و تأثیرات و نتایج مستقیمی که از طبیعت موجودات حاصل می‌شود.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-13]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1402.15.57.4.9]

به عقیدهٔ مونتسکیو، برخلاف قوانین طبیعی که مستقل از شعور و اراده انسانی‌اند، در حیات اجتماعی نیز قوانین باید وضع شوند. مونتسکیو در این زمینه به وجود سه دسته قوانین در طول تاریخ بشر اشاره دارد: قوانین مذهبی، قوانین اخلاقی و قوانین سیاسی- مدنی. او هر سه نوع قوانین را در خدمت هدایت بشر می‌دانست و معتقد بود خداوند به وسیله قوانین مذهبی بشر را به طرف خود می‌خواند تا از یاد خدا و خلق غافل نشود. قوانین اخلاقی نیز توسط فیلسوفان و معلمان اخلاق برای مصون ماندن انسان از خطاها به وی تعلیم داده می‌شوند. به همین سیاق، قانونگذاران نیز بشر را به وسیله قوانین سیاسی و مدنی به وظایف خود در رابطه با دیگران واقف می‌سازند؛ زیرا انسان برای زندگی در جامعه خلق شده است.

مونتسکیو منشأ قوانین سیاسی- مدنی را وجود نزاع بین افراد و اجتماعات می‌دانست. بنابراین می‌توان گفت از منظر مونتسکیو، چون چنین نزاعی حاصل میل به اعمال قدرت است، قوانین در پاسخ به قدرت وضع می‌شود.

در مورد قوانین سیاسی-مدنی، مونتسکیو نگرشی اقتضائی-نسبی داشت. به نظر وی، قوانین سیاسی-مدنی هر ملتی باید موارد خاص داشته باشد و همچنین وضع قوانین باید با عوامل و شرایط خاصی که در حیات اجتماعی یک جامعه یا کشور مؤثر است، با اوضاع طبیعی کشور، آب‌و هوای هر کشور و نوع زندگی ملتی که در لوای آن زندگی می‌کند، تناسب داشته باشد و با تمام جزئیات محیط و مردمانی که بر آنها مسلط می‌شود و اساس روابط آنها را تشکیل می‌دهد، متناسب باشد. مونتسکیو در حوزهٔ حیات سیاسی-اجتماعی، اصل را قانون می‌دانست و مقولاتی چون آزادی را تابعی از قانون می‌شمرد. همچنین او در بررسی منشأ قوانین سیاسی- مدنی، به تعیین‌کنندگی عقل انسانی می‌رسد. اگرچه وی اعتقاد به نسبیت قوانین داشت، اما تنها وجه مطلق بودن در قوانین را تعیین‌کنندگی عقل می‌دانست (مونتسکیو، ۱۳۴۹: ۸۳-۹۲)

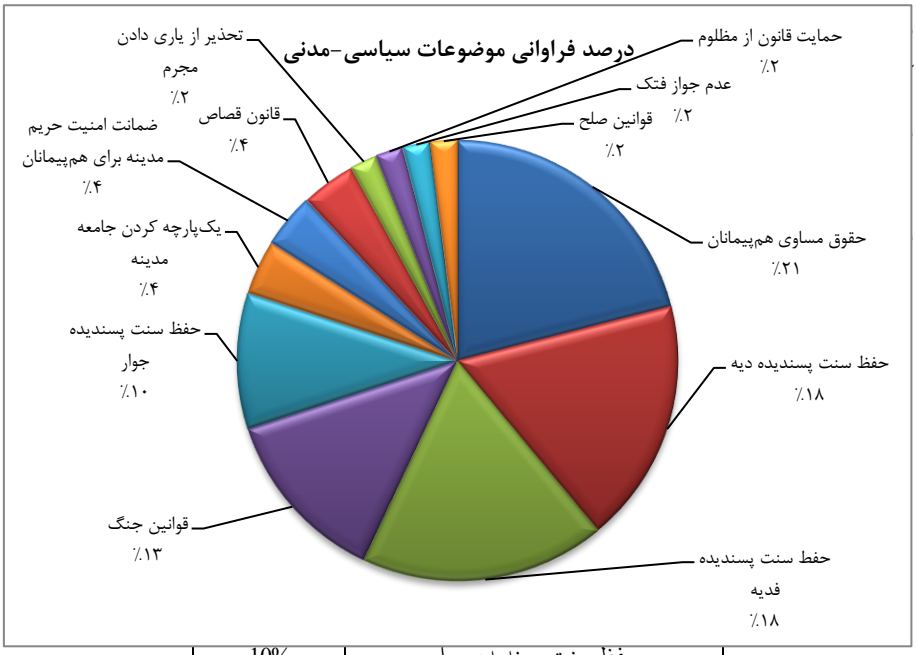
۳-۲. دسته‌بندی موضوعات پیمان‌نامه

در این بخش با ارائه شاخص‌های مربوط به هر موضوع و مصادیق آن، به دسته‌بندی موضوعات مطرح‌شده در پیمان‌نامه پرداخته شده است.

۱-۳-۲. موضوعات سیاسی- مدنی

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-13]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1402.15.57.4.9]



10%	حفظ سنت پسندیده جوار
4%	یکپارچه کردن جامعه مدینه
4%	ضمانت امنیت حریم مدینه برای هم‌پیمانان
4%	قانون قصاص
2%	تحذیر از یاری دادن مجرم
2%	حمایت قانون از مظلوم
2%	عدم جواز فتک
2%	قوانین صلح

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-13]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1402.15.57.4.9]

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-13]

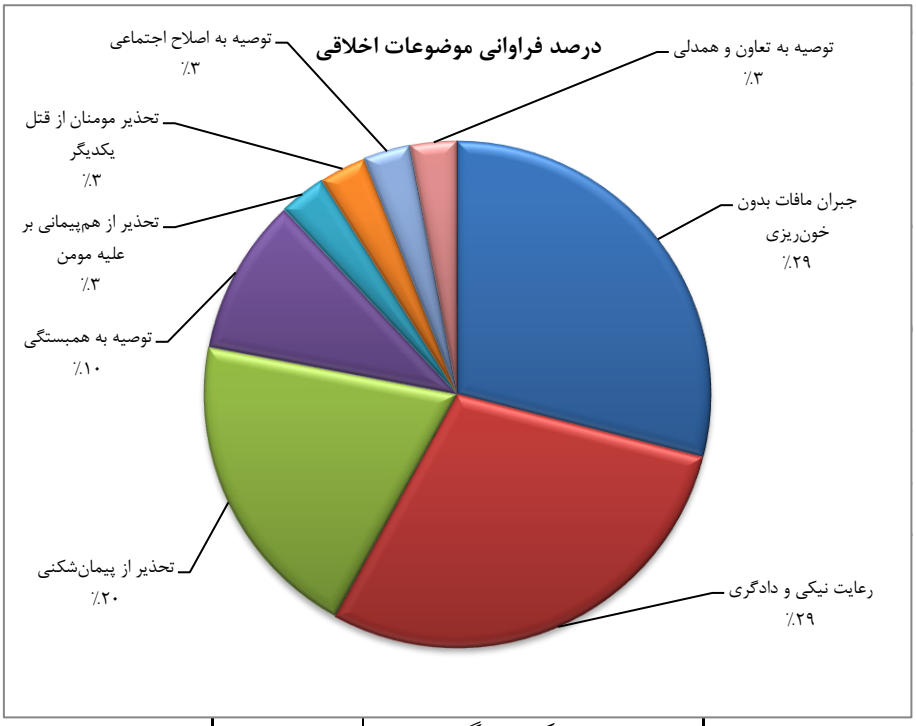
[DOR: 20.1001.1.22286713.1402.15.57.4.9]

در این میان، بالاترین فراوانی موضوعی را عباراتی که حاکی از حقوق مساوی هم‌پیمانان است، داراست و این امر نشان می‌دهد که پیامبر(ص) تا چه حد تأکید بر برابری و مساوات میان طرف‌های این پیمان‌نامه داشته است و نشان از احترام پیامبر اسلام به شأن انسانی و حقوق بشری دارد. از دید پیامبر(ص)، جامعهٔ آرمانی مسلمانان جامعه‌ای است که در آن حقوق مساوی برای همهٔ اقشار اجتماعی و دینی جامعه در نظر گرفته می‌شود.

فراوانی بعدی مربوط به موضوع فدیه و دیه است. این قوانین که به صورت سنت در میان قبایل عرب رواج داشت، سنت‌های پسندیده‌ای بود که توسط پیامبر(ص) به رسمیت شناخته شد. هدف از تأکید بر این قوانین، جلوگیری از جنگ و خون‌ریزی و قتل و تعدد گرفتن اسرای جنگی بود. این آمار نیز حاکی از عدالت‌گستری و صلح‌محوری پیامبر(ص) است؛ زیرا پیامبر(ص) در متن پیمان‌نامه از تک تک قبایل هم‌پیمان برای اجرای این سنت‌های پسندیده تعهد گرفته بود و با نصایح اخلاقی آنان را تشویق به این کار کرد.

قوانین جنگ هم دارای ۱۲٪ فراوانی است. در این قوانین، به مسائلی چون کشتن دشمن، هم‌پیمان نشدن با دشمن بر ضد مسلمانان، تأمین هزینه‌های جنگ و مشارکت در جنگ توسط همهٔ هم‌پیمانان، اشاره شده است.

موضوعات دیگر این دسته که با فراوانی کمتری نسبت به موضوعات بالا قرار دارند، در چند گروهِ سنت جوار، یکپارچه کردن جامعهٔ مدینه، ضمانت امنیت حریم مدینه برای



رعایت نیکی و دادگری	29%
تحذیر از پیمان‌شکنی	20%
توصیه به همبستگی	10%
تحذیر از هم‌پیمانی بر ضد مؤمن	3%
تحذیر مؤمنان از قتل یکدیگر	3%
توصیه به اصلاح اجتماعی	3%
توصیه به تعاون و همدلی	3%

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-13]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1402.15.57.4.9]

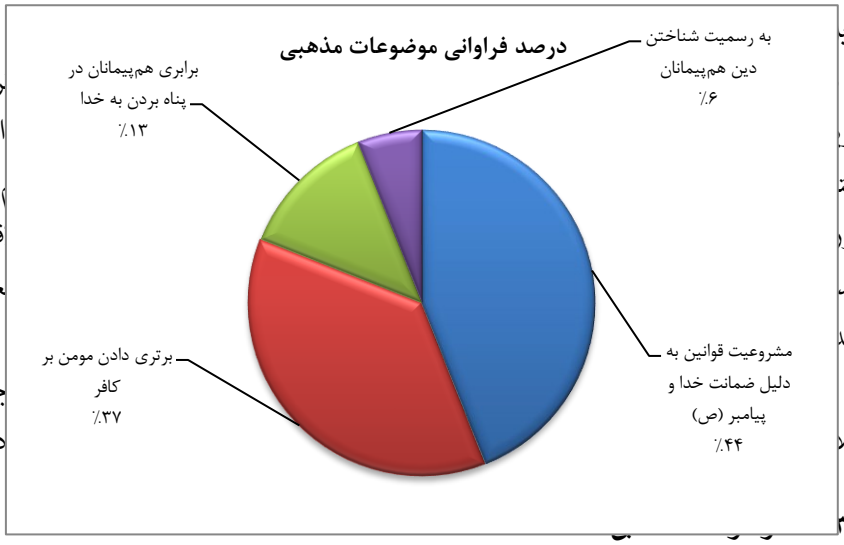
[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-13]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1402.15.57.4.9]

فراوانی موضوعات اخلاقی بیانگر اهمیت مکارم اخلاق در دین اسلام است. بالاترین فراوانی این موضوعات مربوط به جبران مافات بدون خون‌ریزی و رعایت نیکی و دادگری است که مربوط به دو حکم فدیه و دیه می‌باشد. در مرتبهٔ بعد، تحذیر از پیمان‌شکنی با توصیه‌های اخلاقی است. توصیه به همبستگی، تحذیر از هم‌پیمانی بر ضد مؤمن، تحذیر مؤمنان از قتل یکدیگر، توصیه به اصلاح اجتماعی و توصیه به تعاون و همدلی، از دیگر موضوعات مطرح‌شده در پیمان‌نامهٔ مدینه است که در این دسته قرار گرفته است.

نکتهٔ جالب توجه در پیمان‌نامه مدینه این است که قوانین معمولاً براساس حقوق و وظایف و مجازات عدم رعایت آن توسط حکومت‌ها تعیین می‌شود، اما پیامبر اسلام قانون اساسی دولت‌شهر خود را براساس حقوق و وظایف و اخلاق و دین‌مداری نگاشته است. در پیمان‌نامهٔ مدینه خبری از مجازات توسط حکومت نیست و آنجا که از پیمان‌شکنی تحذیر داده شده، با مفاهیمی چون رسیدن زیان آن به خود شخص و یا خشم خدا سخن گفته است. پیامبر(ص) با اینکه در کنار نقش سیاسی در جامعه، رهبر دینی و معلم اخلاق هم بودند و همه نوع مشروعیتی برای وضع مجازات داشتند، اما مجازاتی تعیین نکردند و برای تحذیر افراد، از روش القای ترس استفاده کردند.

یکی دیگر از مسائلی که در نظر پیامبر(ص) پررنگ بوده، منفعل نبودن و اعتراض کردن در



در دستهٔ سوم، موضوعاتی که شامل مفاهیم مذهبی بوده، قرار گرفته‌اند. شاخصهٔ مفاهیم مذهبی، مفاهیمی است که مبتنی بر رابطه انسان با خداست و قانون را با کلمات دینی تبیین کرده است؛ مانند خدا و پیامبر(ص)، پاداش و جزای اخروی، ملاک ایمان، پناه اسلام و احترام به سایر ادیان. در این دسته، وجه مشروعیت قانون عنصری دینی تلقی شده است. فراوانی مصادیق این شاخص‌ها در جدول و نمودار زیر ارائه شده است:

موضوعات مذهبی	درصد فراوانی
مشروعیت قوانین به دلیل ضمانت خدا و پیامبر(ص)	44%
برتری دادن مؤمن بر کافر	37%
برابری هم‌پیمانان در پناه بردن به خدا	13%
به رسمیت شناختن دین هم‌پیمانان	6%

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-13]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1402.15.57.4.9]

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-13]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1402.15.57.4.9]

بیشترین درصد فراوانی در این دسته مربوط به مشروعیت قوانین به دلیل ضمانت خدا و پیامبر(ص) است که نشان می‌دهد پیامبر تأکید داشت بر اینکه این پیمان‌نامه مورد تأیید خدا و ضمانت آن برعهدهٔ خداست. دینی که پیامبر(ص) آورده است، سنت نبوی را تأیید کرده و در پی آن است که بین مردمان آن سرزمین صلح برقرار کند و جنگ و خون‌ریزی را به حداقل برساند و دین را از طریق صلح و مساوات و رعایت حقوق بشر بشناساند نه با غلبهٔ شمشیر و اجبار به مسلمان شدن افراد جامعه.

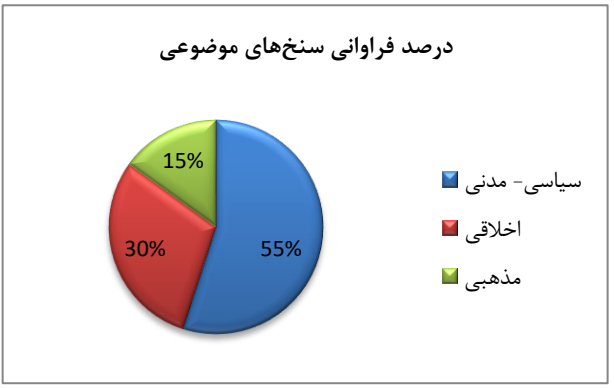
برتری دادن مؤمن بر کافر از دیگر موضوعاتی است که در این دسته قرار گرفته است. حرمت خون مؤمن به دلیل انتساب او به ایمان به خداست و همان‌طور که خداوند فرمود ﴿إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللهِ أَتْقَاكُمْ...﴾ (سورهٔ حجرات، آیهٔ ۱۳)، پیامبر(ص) نیز این اصل را در قالب حرمت گذاشتن برای خون مؤمن در برابر کافر، وارد پیمان‌نامه کرد.

پناه خدا برای همهٔ هم‌پیمانان مساوی است. از دید پیامبر(ص) همه افراد در امان و پناه خدایند و پناه خدا مختص به مسلمانان نیست. او تفاوت‌های انسان‌ها را چه در دین و چه در نژاد به رسمیت می‌شناخت و می‌گفت اگر شما با مؤمنان همراه باشید، خداوند شما را پناه می‌دهد.

۴-۳-۲. جمع‌بندی

با بررسی سنخ‌های موضوعی پیمان‌نامهٔ مدینه (به مثابه قانون اساسی مدینه) براساس دیدگاه مونتسکیو، نتایج کمّی زیر به دست آمد:

سنخ‌های موضوعی پیمان‌نامهٔ مدینه	درصد فراوانی
سیاسی- مدنی	55%
اخلاقی	30%
مذهبی	15%



همان‌طور که در نمودار آماری دیده می‌شود، قسم موضوع سیاسی-مدنی بالاترین درصد مفاهیم پیمان‌نامه را تشکیل می‌دهد. پیامبر(ص) در این پیمان‌نامه تلاش کرده بود قوانینی را وضع کند که بیش از هر چیز رویکرد مدنی داشته و به بهبود امور زندگی اهالی مدینه کمک می‌کرد. همچنین دشمنی با قریش را میان هم‌پیمانان برجسته کرد و ائتلافی بر ضدّ آن تشکیل داد تا اسلام را از خطر قریش مصون بدارند. روشن است که احکام سیاسی-مدنی بیشترین قابلیت را برای اطاعت هم‌پیمانان از قبایل و مذاهب مختلف داشته است و می‌توانست ساختار جامعه را براساس بالاترین وجوه و منافع مشترک هماهنگ کند و به صلح برساند.

بعد از قسم سیاسی- مدنی، قسم اخلاقی بالاترین فراوانی را در میان سنخ‌های موضوعی پیمان‌نامه داراست. پیامبر پیش از آنکه قوانین را براساس دین اسلام وضع کرده باشد، براساس اخلاقیات وضع کرده است که سبب می‌شد تعهدات آن برای دو طرف هم‌پیمان قابل قبول‌تر

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-13]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1402.15.57.4.9]

باشد. همچنین اخلاق را به عنوان اصلی که می‌تواست منجر به صلح شود، پررنگ کرد که نشان می‌دهد نیت پیامبر(ص) از وضع چنین پیمان‌نامه‌ای ائتلاف و صلح بوده و منافع جمعی جامعه بر منافع قبیله‌ای و مذهبی برتری داده شده است. نکتهٔ جالب این است که ضمانت اجرایی این پیمان‌نامه نه حدود و تعزیرات اسلامی و یا مدنی، بلکه نصایح اخلاقی و پاداش و جزای اخروی قید شده است؛ چنان چه می‌خوانیم: «و إنه لا یحلّ لمؤمن أقرّ بما فی هذه الصحیفة و آمن باللّه و الیوم الآخر، أن ینصر محدثا و لا یؤویه و أنه من نصره أو آواه، فان علیه **لعنة** اللّه و غضبه یوم القیامة و لا یؤخذ منه صرف و لا عدل».[۱]

در این میان، قسم مذهبی در آخرین مرتبهٔ موضوعات قیدشده در پیمان‌نامه قرار دارد. پیامبر(ص) در این پیمان‌نامه با این جملهٔ «و إن المؤمنین المتقین علی أحسن هدی و أقومه»[۲] تأکید کرد که پیروی از آیین اسلامی، بستری برای رسیدن به صلح و سلام است. در جای جای پیمان‌نامه شواهدی مبنی بر تأییدات الهی و ضمانت اجرایی بر مبنای دین دیده می‌شود. البته در کنار آن، پیامبر(ص) دین یهود را به رسمیت شناخت و از تک تک طوایف دو قبیلهٔ اوس و خزرج که به دین یهود گرویده بودند، نام برد و آنان را در حقوق مدنی و اخلاقی مساوی و برابر با مسلمانان معرفی کرد. نکته‌ای که در آن به چشم می‌خورد، حرمت خون مؤمن است که پیش‌زمینه‌ای مذهبی دارد و در بحث قانون قصاص مطرح شده است.

بنابراین پیامبر(ص) در کنار دعوت به اسلام و تأکید بر راستی و و درستی آیین خود و برتری دادن مؤمن به کافر، حقوق شهروندی اقلیت‌های مذهبی را به نحو شایسته‌ای به رسمیت شناخت؛ و این اتفاق زمانی بود که قریش تبلیغات بسیاری بر ضد اسلام می‌کرد و درصدد بود قبایل مختلف عرب و یهود را بر ضد مسلمانان گرد هم آورد. با این حال، پیامبر(ص) این پیمان صلح و همزیستی مسالمت‌آمیز را بر بالا بردن شمار مسلمین ترجیح داد.

نتیجه‌گیری

بیشترین موضوعات مطرح‌شده در این پیمان‌نامه، موضوعات سیاسی-مدنی با ۵۵٪ فراوانی، سپس موضوعات اخلاقی با ۳۵٪ و موضوعات مذهبی با ۱۵٪ فراوانی است.

---

۱ بند ۲۲ پیمان‌نامه مدینه.

۲ بند ۲۰ قسمت الف پیمان‌نامه مدینه.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-13]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1402.15.57.4.9]

قوانین سیاسی- مدنی که فراوانی بیشتری نسبت به سایر موضوعات دارد، بیشترین قابلیت را دارد برای اینکه ساختار جامعه را براساس بالاترین وجوه و منافع مشترک هماهنگ کند و به صلح نزدیک سازد. پس از آن پیامبر(ص) بیشتر از آنکه قوانین را براساس دستورات دین اسلام وضع کرده باشد، براساس اخلاقیات وضع کرده است؛ زیرا تعهدات را برای دو طرف هم‌پیمان قابل قبول‌تر می‌کرد.

اگرچه پیامبر(ص) پیروی از آیین اسلامی را بستری برای رسیدن به صلح و سلام می‌دانست، اما در عین حال پیروان ادیان دیگر را به رسمیت می‌شناخت و از تک تک طوایف اوس و خزرج که به دین یهود گرویده بودند، نام برد و آنان را در حقوق مساوی و برابر با مسلمانان معرفی کرد. این سیاست رسول خدا(ص) سبب می‌شد اوسی‌ها و خزرجی‌های گرویده به دین یهود، به بازگشت به اسلام گرایش پیدا کنند.

قانون‌نامه پیامبر(ص) مانند معمول قوانین که صرفاً براساس حقوق و وظایف و مجازات سیاسی-اجتماعی تدوین می‌شوند، نگاشته نشده است، بلکه بر دو اساس حقوق و وظایف اخلاقی و دین‌مداری هم استوار بود. در پیمان‌نامهٔ مدینه خبری از مجازات توسط حکومت نیست و آنجا که از پیمان‌شکنی تحذیر داده می‌شود، از مفاهیمی چون رسیدن زیان آن به خود شخص و یا خشم خدا سخن می‌گوید.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-13]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1402.15.57.4.9]

ضمایم و پیوست‌ها

پیمان‌نامهٔ مدینه

بند	متن	موضوع کلی	موضوع جزئی ۱	موضوع جزئی۲
۱	بسم الله الرحمن الرحیم هذا کتاب مـن محمـد النبـیّ صلی اللّه علیه و سلم، بـین المـؤمنین و المسـلمین مـن قریش و یثرب و من تبعهم، فلحق بهم و جاهد معهم	سیاسی–مدنی	یکپارچه کردن جامعهٔ مدینه	
	بسم الله الرحمن الرحیم هذا کتاب مـن محمـد النبـیّ صلی اللّه علیه و سلم، بـین المـؤمنین و المسـلمین مـن قریش و یثرب و من تبعهم، فلحق بهم و جاهد معهم	مذهبی	مشروعیت قوانین به دلیل ضمانت خدا و پیامبر(ص)	
۲	إنهم أمة واحدة من دون الناس	سیاسی–مدنی	یکپارچه کردن جامعه مدینه	
۳	المهاجرون من قریش علی ربعتهم یتعاقلون بینهم	سیاسی–مدنی	حفظ سنت پسندیده دیه	
	المهاجرون من قریش علی ربعتهم یتعاقلون بینهم	اخلاقی	جبران مافات بدون خون‌ریزی	
	و هم یفدون عانیهم بالمعروف و القسط بین المؤمنین	سیاسی–مدنی	فدیه	
	و هم یفدون عانیهم بالمعروف و القسط بین المؤمنین	اخلاقی	رعایت نیکی و دادگری	
۴	و بنوعوف علی ربعتهم یتعاقلون معاقلهم الأولی	سیاسی–مدنی	حفظ سنت پسندیده دیه	
	و بنوعوف علی ربعتهم یتعاقلون معاقلهم الأولی	اخلاقی	جبران مافات بدون خون‌ریزی	
	کلّ طائفة تفدی عانیها بالمعروف و القسط بین المؤمنین	سیاسی–مدنی	فدیه	
	کلّ طائفة تفدی عانیها بالمعروف و القسط بین المؤمنین	اخلاقی	رعایت نیکی و دادگری	

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-13]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1402.15.57.4.9]

بند	متن	موضوع کلی	موضوع جزئی ۱	موضوع جزئی۲
۵	و بنوساعدة علی ربعتهم یتعاقلون معاقلهم الأولی	سیاسی-مدنی	حفظ سنت پسندیده دیه	
	و بنوساعدة علی ربعتهم یتعاقلون معاقلهم الأولی	اخلاقی	جبران مافات بدون خون‌ریزی	
	و کلّ طائفة منهم تفدی عانیها بالمعروف و القسط بین المؤمنین	سیاسی-مدنی	فدیه	
	و کلّ طائفة منهم تفدی عانیها بالمعروف و القسط بین المؤمنین	اخلاقی	رعایت نیکی و دادگری	
۶	و بنوالحارث علی ربعتهم یتعاقلون معاقلهم الأولی	سیاسی-مدنی	حفظ سنت پسندیده دیه	
	و بنوالحارث علی ربعتهم یتعاقلون معاقلهم الأولی	اخلاقی	جبران مافات بدون خون‌ریزی	
	و کلّ طائفة تفدی عانیها بالمعروف و القسط بین المؤمنین	سیاسی-مدنی	فدیه	
	و کلّ طائفة تفدی عانیها بالمعروف و القسط بین المؤمنین	اخلاقی	رعایت نیکی و دادگری	
۷	و بنوجشم علی ربعتهم یتعاقلون معاقلهم الأولی	سیاسی-مدنی	حفظ سنت پسندیده دیه	
	و بنوجشم علی ربعتهم یتعاقلون معاقلهم الأولی	اخلاقی	جبران مافات بدون خون‌ریزی	
	و کلّ طائفة منهم تفدی عانیها بالمعروف و القسط بین المؤمنین	سیاسی-مدنی	فدیه	
	و کلّ طائفة منهم تفدی عانیها بالمعروف و القسط بین المؤمنین	اخلاقی	رعایت نیکی و دادگری	
۸	و بنوالنجّار علی ربعتهم یتعاقلون معاقلهم الأولی	سیاسی-مدنی	حفظ سنت پسندیده دیه	

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-13]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1402.15.57.4.9]

بند	متن	موضوع کلی	موضوع جزئی ۱	موضوع جزئی۲
	و بنوالنجّار علی ربعتهم یتعاقلون معاقلهم الأولی	اخلاقی	جبران مافات بدون خون‌ریزی	
	و کلّ طائفة منهم تفدی عانیها بالمعروف و القسط بین المؤمنین	سیاسی-مدنی	فدیه	
	و کلّ طائفة منهم تفدی عانیها بالمعروف و القسط بین المؤمنین	اخلاقی	رعایت نیکی و دادگری	
۹	و بنوعمروبن عوف علی ربعتهم یتعاقلون معاقلهم الأولی	سیاسی-مدنی	حفظ سنت پسندیده دیه	
	و بنوعمروبن عوف علی ربعتهم یتعاقلون معاقلهم الأولی	اخلاقی	جبران مافات بدون خون‌ریزی	
	و کلّ طائفة تفدی عانیها بالمعروف و القسط بین المؤمنین	سیاسی-مدنی	فدیه	
	و کلّ طائفة تفدی عانیها بالمعروف و القسط بین المؤمنین	اخلاقی	رعایت نیکی و دادگری	
۱۰	و بنو النّبیت علی ربعتهم یتعاقلون معاقلهم الأولی	سیاسی-مدنی	حفظ سنت پسندیده دیه	
	و بنو النّبیت علی ربعتهم یتعاقلون معاقلهم الأولی	اخلاقی	جبران مافات بدون خون‌ریزی	
۱۰	و کلّ طائفة تفدی عانیها بالمعروف و القسط بین المؤمنین	سیاسی-مدنی	فدیه	
	و کلّ طائفة تفدی عانیها بالمعروف و القسط بین المؤمنین	اخلاقی	رعایت نیکی و دادگری	
۱۱	و بنو الأوس علی ربعتهم یتعاقلون معاقلهم الأولی	سیاسی-مدنی	حفظ سنت پسندیدهٔ دیه	
	و بنو الأوس علی ربعتهم یتعاقلون معاقلهم الأولی	اخلاقی	جبران مافات بدون خون‌ریزی	

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-13]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1402.15.57.4.9]

بند	متن	موضوع کلی	موضوع جزئی ۱	موضوع جزئی۲
	و کلّ طائفة منهم تفدی عانیها بالمعروف و القسط بین المؤمنین	سیاسی-مدنی	فدیه	
	و کلّ طائفة منهم تفدی عانیها بالمعروف و القسط بین المؤمنین	اخلاقی	رعایت نیکی و دادگری	
۱۲	الف) و إن المؤمنین لا یترکون مفرحا بینهم أن یعطوه بالمعروف فی فداء أو عقل	اخلاقی	توصیه به تعاون و همدلی	
	ب) و أن لا یحالف مؤمن مولی مؤمن دونه	اخلاقی	تحذیر از هم‌پیمانی بر ضد مؤمن	
۱۳	و إن المؤمنین المتقین علی من بغی منهم، أو ابتغی دسیعة ظلم، أو إثم، أو عدوان، أو فساد بین المؤمنین و إن أیدیهم علیه جمیعا، و لو کان ولد أحدهم	اخلاقی	توصیه به همبستگی	
	و إن المؤمنین المتقین علی من بغی منهم، أو ابتغی دسیعة ظلم، أو إثم، أو عدوان، أو فساد بین المؤمنین و إن أیدیهم علیه جمیعاً و لو کان ولد أحدهم	اخلاقی	توصیه به اصلاح اجتماعی	
۱۴	و لا یقتل مؤمن مؤمناً فی کافر	مذهبی	برتری دادن مؤمن بر کافر	ملاک ایمان (حرمت خون مومن)
	و لا یقتل مؤمن مؤمناً فی کافر	اخلاقی	تحذیر مؤمنان از قتل یکدیگر	
	و لا ینصر کافراً علی مؤمن	مذهبی	برتری دادن مؤمن بر کافر	
	و لا ینصر کافراً علی مؤمن	اخلاقی	تحذیر از پیمان‌شکنی	
۱۵	و إن ذمة اللّه واحدة یجیر علیهم أدناهم	مذهبی	برابری هم‌پیمانان در پناه بردن به خدا	

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-13]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1402.15.57.4.9]

بند	متن	موضوع کلی	موضوع جزئی ۱	موضوع جزئی۲
	و إن **ذمة اللّه واحدة**، یجیر علیهم أدناهم	سیاسی-مدنی	حفظ سنت پسندیدۀ جوار	
	و إن المؤمنین بعضهم موالی بعض دون الناس	اخلاقی	توصیه به همبستگی	
۱۶	و إنه من تبعنا من یهود فان لـه النصـر و **الأسـوة**، غیرمظلومین و لامتناصرین علیهم	سیاسی-مدنی	حفظ سنت پسندیده جوار	
۱۷	و إنّ سلم المؤمنین **واحدة**	مذهبی	برابری هم‌پیمانان در پناه بردن به خدا	
	و إنّ سلم المؤمنین **واحدة**	سیاسی-مدنی	حفظ سنت پسندیدۀ جوار	
	لا یسالم مؤمن دون مؤمن فی قتال فـی سـبیل اللّـه، إلا علی سواء و عدل بینهم	سیاسی-مدنی	قوانین جنگ	تحذیر از مصالحه با دشمن بر ضد مؤمنان
	لا یسالم مؤمن دون مؤمن فی قتال فـی سـبیل اللّـه، إلا علی سواء و عدل بینهم	مذهبی	برتری دادن مؤمن بر کافر	
	لا یسالم مؤمن دون مؤمن فی قتال فـی سـبیل اللّـه، إلا علی سواء و عدل بینهم	اخلاقی	توصیه به همبستگی	
۱۸	و إن کلّ غازیة غزت معنا یعقب بعضها بعضا	سیاسی-مدنی	قوانین جنگ	مشارکت هم‌پیمانان در جنگ
۱۹	و إن المؤمنین یبیء بعضـهم علـی بعـض بمـا نـال دماءهم فی سبیل اللّه	سیاسی-مدنی	قانون قصاص	
	و إن المؤمنین یبیء بعضـهم علـی بعـض بمـا نـال دماءهم فی سبیل اللّه	مذهبی	برتری دادن مؤمن بر کافر	
۲۰	و إن المؤمنین المتقین علی أحسن هدی و أقومه	مذهبی	برتری دادن مؤمن بر کافر	

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-13]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1402.15.57.4.9]

بند	متن	موضوع کلی	موضوع جزئی ۱	موضوع جزئی۲
	و إنه لا یجیر مشرک مالا لقریش و لا نفساً و لا یحول دونه علی مؤمن	سیاسی-مدنی	به رسمیت شناختن دشمنی هم‌پیمانان با قریش	
۲۱	و إنه من اعتبط مؤمنا قتلا عن بیّنة فإنه قود به إلا أن یرضی ولیّ المقتول و إن المؤمنین علیه **کافة** و لا یحلّ لهم إلا قیام علیه	سیاسی-مدنی	قانون قصاص	
	و إنه من اعتبط مؤمناً قتلا عن بیّنة فإنه قود به إلا أن یرضی ولیّ المقتول و إن المؤمنین علیه **کافة** و لا یحلّ لهم إلا قیام علیه	مذهبی	برتری دادن مؤمن بر کافر	ملاک ایمان (حرمت خون مؤمن)
۲۲	و إنه لا یحلّ لمؤمن أقرّ بما فی هذه الصحیفة و آمن باللّه و الیوم الآخر، أن ینصر محدثا و لا یؤویه و أنه من نصره أو آواه، فان علیه **لعنة** اللّه و غضبه یوم **القیامة** و لا یؤخذ منه صرف و لا عدل	سیاسی-مدنی	تحذیر از یاری دادن مجرم	
	و إنه لا یحلّ لمؤمن أقرّ بما فی هذه الصحیفة و آمن باللّه و الیوم الآخر، أن ینصر محدثا و لا یؤویه و أنه من نصره أو آواه، فان علیه **لعنة** اللّه و غضبه یوم **القیامة** و لا یؤخذ منه صرف و لا عدل	مذهبی	مشروعیت قوانین به دلیل ضمانت خدا و پیامبر(ص)	
۲۳	و إنکم مهما اختلفتم فیه من شیء، فان مردّه إلی اللّه عزّ و جلّ و إلی محمد صلی اللّه علیه و سلم	مذهبی	مشروعیت قوانین به دلیل ضمانت خدا و پیامبر(ص)	
۲۴	و إن الیهود ینفقون مع المؤمنین ما داموا محاربین	سیاسی-مدنی	قوانین جنگ	مشارکت هم‌پیمانان در هزینه‌های جنگ
۲۵	و إن یهود بنی‌عوف **أمّة** مع المؤمنین	سیاسی-مدنی	به رسمیت شناختن	

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-13]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1402.15.57.4.9]

بند	متن	موضوع کلی	موضوع جزئی ۱	موضوع جزئی۲
			دین هم‌پیمانان	
	لليهود دينهم و للمسلمين دينهم، مواليهم و أنفسهم، إلا من ظلم و أثم، فإنه لا يوتغ إلا نفسه و أهل بيته	سیاسی-مدنی	به رسمیت شناختن دین هم‌پیمانان	
۲۶	و إن ليهود بنى النجّار مثل ما ليهود بنى‌عوف	سیاسی-مدنی	حقوق مساوی هم‌پیمانان	
۲۷	و إن ليهود بنى الحارث مثل ما ليهود بنى‌عوف	سیاسی-مدنی	حقوق مساوی هم‌پیمانان	
۲۸	و إن ليهود بنى‌ساعدة مثل ما ليهود بنى‌عوف	سیاسی-مدنی	حقوق مساوی هم‌پیمانان	
۲۹	و إن ليهود بنى‌جشم مثل ما ليهود بنى‌عوف	سیاسی-مدنی	حقوق مساوی هم‌پیمانان	
۳۰	و إن ليهود بنى الأوس مثل ما ليهود بنى‌عوف	سیاسی-مدنی	حقوق مساوی هم‌پیمانان	
۳۱	و إن ليهود بنى**ثعلبة** مثل ما ليهود بنى‌عوف	سیاسی-مدنی	حقوق مساوی هم‌پیمانان	
	إلا من ظلم و أثم، فإنه لا يوتغ إلا نفسه و أهل بيته	اخلاقی	تحذیر از پیمان‌شکنی	
۳۲	و إن **جفنة** بطن من **ثعلبة** كأنفسهم	سیاسی-مدنی	حقوق مساوی هم‌پیمانان	
۳۳	و إن لبنى الشّطيبة مثل ما ليهود بنى‌عوف	مذهبی	به رسمیت شناختن دین هم‌پیمانان	
	و إن لبنى الشّطيبة مثل ما ليهود بنى‌عوف	سیاسی-مدنی	حقوق مساوی هم‌پیمانان	

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-13]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1402.15.57.4.9]

بند	متن	موضوع کلی	موضوع جزئی ۱	موضوع جزئی۲
	و إن البرّ دون الإثم	اخلاقی	تحذیر از پیمان‌شکنی	
۳۴	و إن موالی ثعلبة کأنفسهم	سیاسی-مدنی	حقوق مساوی هم‌پیمانان	
۳۵	و إن بطانة یهود کأنفسهم	سیاسی-مدنی	حقوق مساوی هم‌پیمانان	
۳۶	الف) و إنه لا یخرج منهم أحد إلا بإذن محمد صلی اللّه علیه و سلم	سیاسی-مدنی	اجازه پیامبر برای خروج از پیمان‌نامه	
	ب) و إنه لا ینحجز علی ثار جرح و إنه من فتک فبنفسه فتک و أهل بیته	سیاسی-مدنی	عدم جواز فتک	
	إلا من ظلم و إن اللّه علی أبرّ هذا	مذهبی	مشروعیت قوانین به دلیل ضمانت خدا و پیامبر(ص)	
۳۷	الف) و إنّ علی الیهود نفقتهم و علی المسلمین نفقتهم و إن بینهم النصر علی من حارب أهل هذه الصحیفة و إن بینهم النصح و النصیحة و البرّ دون الإثم	سیاسی-مدنی	قوانین جنگ	مشارکت هم‌پیمانان در هزینه‌های جنگ
	الف) و إن علی الیهود نفقتهم و علی المسلمین نفقتهم و إن بینهم النصر علی من حارب أهل هذه الصحیفة و إن بینهم النصح و النصیحة و البرّ دون الإثم	اخلاقی	تحذیر از پیمان‌شکنی	
	ب) و إنه لم یأثم امرؤ بحلیفه و إن النصر للمظلوم	اخلاقی	تحذیر از پیمان‌شکنی	
	ب) و إنه لم یأثم امرؤ بحلیفه و إن النصر للمظلوم	سیاسی-مدنی	حمایت قانون از مظلوم	
۳۸	و إن الیهود ینفقون مع المؤمنین ماداموا محاربین	سیاسی-مدنی	قوانین جنگ	مشارکت هم‌پیمانان در

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-13]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1402.15.57.4.9]

بند	متن	موضوع کلی	موضوع جزئی ۱	موضوع جزئی۲
				هزینه‌های جنگ
۳۹	و إن یثرب حرام جوفها لأهل هذه الصحیفة	سیاسی-مدنی	ضمانت امنیت حریم مدینه برای هم‌پیمانان	
۴۰	و أنّ الجار کالنفس غیر مضارّ و لا آثم	سیاسی-مدنی	حفظ سنت پسندیده پناه دادن	
۴۱	و أنه لا تجار **حرمة** إلا بإذن أهلها	سیاسی-مدنی	حفظ سنت پسندیده پناه دادن	
۴۲	و إنه ما کان بین أهل هذه الصحیفة من حدث أو اشتجار یخاف فساده، فانّ مردّه إلی اللّه عزّ و جلّ و إلی محمد رسول اللّه صلی اللّه علیه و سلم و إن اللّه علی أتقی ما فی هذه الصحیفة و أبرّه	مذهبی	مشروعیت قوانین به دلیل ضمانت خدا و پیامبر(ص)	
۴۳	و إنه لا تجار قریش و لا من نصرها	سیاسی-مدنی	به رسمیت شناختن دشمنی هم‌پیمانان با قریش	
۴۴	و إن بینهم النصر علی من دهم یثرب	سیاسی-مدنی	قوانین جنگ	
۴۵	الف) و إذا دعوا إلی صلح یصالحونه و یلبسونه فإنهم یصالحونه و یلبسونه و إنهم إذا دعوا إلی مثل ذلک فإنه لهم علی المؤمنین إلا من حارب فی الدین	سیاسی-مدنی	قوانین صلح	
	ب) علی کلّ أناس حصّتهم من جانبهم الّذی قبلهم	سیاسی-مدنی	قوانین جنگ	مشارکت هم‌پیمانان در جنگ
۴۶	و إن یهود الأوس، مواليهم و أنفسهم، علی مثل ما لأهل هذه الصحیفة مع البر المحض؟ من أهل هذه	سیاسی-مدنی	حقوق مساوی هم‌پیمانان	

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-13]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1402.15.57.4.9]

بند	متن	موضوع کلی	موضوع جزئی ۱	موضوع جزئی۲
	الصحیفة			
	و إن البرّ دون الإثم، لا یکسب کاسب إلا علی نفسه	اخلاقی	تحذیر از پیمان‌شکنی	
	و إن اللّه علی أصدق ما فی هذه الصحیفة و أبرّه	مذهبی	مشروعیت قوانین به دلیل ضمانت خدا و پیامبر(ص)	
۴۷	و إنه لا یحول هذا الکتاب دون ظالم و آثم	سیاسی-مدنی	تحذیر از پیمان‌شکنی	تهدید
	و إنه من خرج آمن و من قعد آمن بالمدینة إلا من ظلم أو أثم	سیاسی-مدنی	ضمانت امنیت حریم مدینه برای هم‌پیمانان	تعیین حدود
	و إن اللّه جار لمن برّ و اتقی و محمد رسول اللّه صلی اللّه علیه و سلم	مذهبی	مشروعیت قوانین به دلیل ضمانت خدا و پیامبر(ص)	

منابع و مآخذ

- ابن‌زنجویه، حمیدبن مخلد (۱۴۲۷)، *الاموال*، تحقیق ابومحمد سیوطی، بیروت: دار الکتب العلمیة.
- ابن‌سعد، ابوعبدالله محمد (۱۴۱۰)، *الطبقات الکبری*، تحقیق محمد عبدالقادر عطا، ج۱، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- ابن‌کثیر الدمشقی، اسماعیل‌بن عمر (۱۴۰۷)، *البدایة و النهایة*، ج۳، بیروت: دار الفکر.
- ..... (۱۳۹۶)، *السیرة النبویة*، تحقیق مصطفی عبدالواحد، ج۲، بیروت: دارالمعرفة لطباعة و النشر و التوضیع.
- ابن‌هشام، عبدالملک [بی‌تا]، *السیرة النبویة*، ج۱، بیروت: دار المعرفه.
- ابوعبید، قاسم‌بن سلام (۱۴۰۸)، *الاموال*، بیروت: دار الفکر.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-13]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1402.15.57.4.9]

- افرام بستانی، فؤاد (۱۳۷۵)، *فرهنگ ابجدی*، تهران: نشر اسلامی.
- بندورا، آلبرت (۱۳۷۲)، *نظریه یادگیری اجتماعی*، ترجمهٔ فرهاد ماهر، شیراز: راهگشا.
- بیات، علی و قدریه تاج‌بخش (پاییز ۱۳۸۶)، «وثاقت پیمان‌نامه مدینه»، *پژوهش دینی*، ش۱۵، صص۸۷-۱۱۰.
- بیرو، آلن (۱۳۸۰)، *فرهنگ علوم اجتماعی*، ترجمهٔ باقر ساروخانی، تهران: کیهان.
- پاکروان، مهدیه (۱۳۹۸)، *پنهان در تاریخ؛ اعزام‌های دیپلماتیک پیامبر(ص) پیش از بدر*، تهران: پناه.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷)، *لغت‌نامه*، زیر نظر محمد معین و سید جعفر شهیدی، ج۴، ۱۴، تهران: مؤسسهٔ انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چ۲.
- راغب اصفهانی، حسین‌بن محمد (۱۳۷۴)، *ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن با تفسیر لغوی و ادبی قرآن*، ترجمهٔ غلامرضا خسروی حسینی، ج۲، ۳، تهران: انتشارات مرتضوی.
- سالم، عبدالعزیز (۱۳۸۰)، *تاریخ عرب قبل از اسلام*، ترجمهٔ باقر صدری‌نیا، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- عالی‌خانی، محمد (۱۳۷۳)، *حقوق اساسی*، تهران: دستان.
- مونتسکیو، شارل دو (۱۳۴۹)، *روح القوانین*، ترجمهٔ علی‌اکبر مهتدی، تهران: امیرکبیر.

List of sources with English handwriting

- Abu Obeid, Qasim bin Salam (1408), *Al-Amwal*, Beirut: Dar al-Fikr.
- Afram Bostani, Foad (1375), *Farhange Abjadi*, Tehran: Islamic Publishing House.
- Alikhani, Mohammad (1373), *Hoqoqe Asasi*, Tehran: Dastan.
- Bandura, Albert (1372), *Nazariyeye Yadgiriye Ejtemaei*, translated by Farhad Maher, Shiraz: Rahgosha.
- Bayat, Ali, Taj Bakhsh, Qadrieh (2016), "*Vesaghate Peyman Nameye Madineh*", *Religious Research*, No. 15, pp. 87-110.
- Biro, Alan (2010), *Farhange Ulome Ejtemaei*, translated by Bagher Sarokhani, Tehran: Kayhan.
- Dehkhoda, Ali Akbar (1377*), Loghat Nameh*, 4 and 14, under the supervision of Mohammad Moin and Seyed Jafar Shahidi, Tehran: University of Tehran Publishing and Printing Institute, ch. 2.
- Ibn Hisham, Abdul Malik [beta], *Al-Sirah al-Nabiwiyah*, vol. 1, Beirut, Dar al-Marifah.
- Ibn Kathir al-Damashqi, Ismail bin Omar (2016*), Al-Sirah al-Nabiwiyah*, vol. 2, researched by Mustafa Abd al-Wahed, Beirut, Dar al-Marifa for printing, publishing, and publishing.
- Ibn Kathir Al-Damashqi, Ismail Ibn Umar (1407), *Al-Badayah and Al-Nahiyah*, vol. 3, Beirut: Dar al-Fikr.
- Ibn Sa'd, Abu Abdullah Muhammad (1410), *Tabaqat al-Kobra*, vol. 1, Mohaqeq

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-13]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1402.15.57.4.9]

Muhammad Abd al-Qadir Atta, Beirut: Dar al-Kitab al-Ulamiya.
- Ibn Zanjuyeh, Hamid bin Mukhalid (1427), *al-Amwal, scholar Abu Muhammad Siyuti*, Beirut: Dar al-Kitab al-Ulamiya.
- Montesquieu, Charles de (1349), *Ruh al-Quwanin, translated by Ali Akbar Mehtadi*, Tehran: Amir Kabir.
- Pakravan, Mahdieh (2018), *Penhan Dar Tarikh; Ezamhaye Diplomatic Payambar Pish Az Badr*, Tehran: Panah, ch 1.
- Ragheb Esfahani, Hossein bin Mohammad (1374), *Tarjomeh Va Tahghighe Mofradate Alfaze Quran*. 2, Tehran: Mortazavi.
- Salem, Abdul Aziz (1380), *Tarikhe Arabe Ghabl Az Eslam*, translated by Bagher Sadrinia, Tehran: Scientific and Cultural Publishing Company.
- …… (1396), Al-Sirah al-Nabawiyyah, research by Mustafa Abd al-Wahed, vol. 2, Beirut: Daral al-Marefa for printing, publishing, and publishing.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-13]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1402.15.57.4.9]